## جایزه جشنواره روسی به «ستارگان زیر باران»

«ستارگان زیر باران» ساخته سارا نامجو موفق به دریافت بهترین جایزه بخش انیمیشن در بخش مسابقه رسمی یازدهمین دوره جشنواره کودک و نوجوان «نوری به دنیا» در کشور روسیه شد. به گزارش ایسنا، «ستارگان زیر باران» که با هدف ارتقای سطح آموزشی، هنری و معنوی جوانان برگزار می‌شود، برنده بهترین انیمیشن شده و داستان آن درباره معجزه‌های کوچکی است که دشواری‌های زندگی را قابل تحمل می‌کنند. «من ایرانی‌ام» به کارگردانی علیرضا کاویان‌راد هم در این جشنواره حضور داشت.

## گشایش مجدد موزه مسیحیت آغازین در تونس

موزه مسیحیت آغازین در تونس که تاریخ تأسیس آن به سال ۱۹۸۴ بازمی‌گردد، یک بار دیگر روی عموم باز شد. به گزارش فارس، موزه مسیحیت آغازین در کارتاژ، بار دیگر روی عموم باز شد و تعداد قابل توجهی از آثار باستانی ارزشمند را در معرض دید گذاشته که از آن جمله می‌توان به لوح‌های موزاییکی اشاره کرد که در جریان حفاری‌های کانون ملی میراث در فاصله سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ کشف شده است.

# ...نگ بلورین

## ...ای سینمایی ایرانی حضور داشته‌اند
## ...همی هم گرفته‌اند

جمشید هاشم‌پور در نقش رئیس گروه قاچاقچی‌ها در فیلم سینمایی «طعمه»، زحمت تزریق را برای یکی از معتادان می‌کشد!

آگاهی و اشراف آنها درباره اعتیاد و جنبه‌های مخرب آن شود، مهیای بازی می‌شوند.

نتیجه چنین تلاش‌هایی معمولا خوشایند است و اگر بازیگر و گروه فیلمسازی کارش را درست انجام داده باشد، موفقیت فیلمی درباره اعتیاد تضمینی است، چون همواره بازار تقاضا در این زمینه از سوی مخاطب وجود دارد و آنها از تماشای قصه‌هایی درباره اعتیاد و معتادان و مواد مخدر استقبال می‌کنند که خودش زمینه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی دارد و قابل بررسی است؛ ضمن این که به لحاظ دراماتیک هم همیشه زندگی معتادان، محلی برای قصه‌های تأثیرگذار و تراژیک و پرسوزوگداز است که آن هم تماشاگران همیشگی خود را دارد. فیلم‌هایی از این دست اگر صرفا به فکر اقناع نیاز تماشاگران عام سینما و گیشه نباشند و ساختار جدی‌تر و هنرمندانه‌تری داشته باشد، در جشنواره‌ها و جوایز سینمایی هم حضور موفقی داشته و معمولا نظر مثبت داوران را به خود جلب می‌کنند. به همین دلیل، این فیلم‌ها و به‌ویژه بازیگران نقش‌های معتاد در جشنواره‌ها و رویدادهای سینمایی قدر می‌بینند و بر صدر می‌نشینند، حالا ممکن است این موفقیت با تحسین منتقدان و تماشاگران و نامزدی در بخش بازیگری باشد یا با دریافت سیمرغ بلورین و جوایز دیگر کامل‌تر و شیرین‌تر شود.

نکته قابل اشاره دیگر این که چون معمولا این نقش‌ها با گریم‌های سنگینی همراه است، قضاوت هم اندکی سخت می‌شود و نمی‌توان به شکل دقیقی، امتیاز بخش‌های بازیگری و چهره‌پردازی را تفکیک کرد. گاهی آن گریم، خودش نیمی از راه موفقیت نقش است و بسیار به کمک بازیگر برای انتقال حس و حال نقش می‌آید. این مورد در داوری‌ها هم به کمک بازیگر می‌آید و گاهی جوایز و تحسین‌ها بیشتر ناشی از گریم خوب است تا این که سهم هنر بازیگری باشد. درمجموع نقش‌هایی چون معتاد و بیمارهای روحی و روانی و شخصیت‌های آسیب‌پذیر، از آنجا که جای بازی و چالش بیشتری دارند، جزو اولویت‌های بازیگران هستند و از سمت تماشاگران و منتقدان و البته داوران هم با استقبال مواجه و عاقبت بخیر می‌شوند. اتفاقی که معمولا و متاسفانه در دنیای واقعی، چندان برای آدم‌هایی با این مصائب و گرفتاری‌ها نمی‌افتد و رهایی از اعتیاد، فقط با ترک جهان هستی رخ می‌دهد اما چون اینجا با سینما سروکار داریم، اجازه دهید با امیدواری و دلخوشی ادامه دهیم و همراه با زنده‌یاد عزت‌ا... انتظامی در «گاوخونی» زمزمه کنیم: «دلم می‌خواد تَریاکو ترکش کنم / صبح‌ها برم رودخونه ورزش کنم / عصرا برم چارباغو گردش کنم / دلم می‌خواد قلهک و شمرون برم / دلم می‌خواد قربون تهرون برم...»

## ...د معتاد دیگر

معتاد، صدای اعتراض برخی تماشاگران را بلند کرد! اما مشکل نقش فقط نحوه سیگارکشیدن نبود و ترکیب بازی، شخصیت‌پردازی و فیلمنامه، کیفیت پایینی داشت.

**سیزده ۵۹:** مهران احمدی در این فیلم نقش رزمنده دیروز و معتاد امروز را بازی می‌کند اما نوع گریم و بازی او چندان با فضای جدی و رسمی فیلم سنخیت ندارد.

**لامپ ۱۰۰:** باوجود نیت خوب هشدار درباره بلای اعتیاد و کوشش سعید آقاخانی خالق فیلم و تلاش محسن تنابنده برای بازی خوب، با عرض معذرت نتیجه یک بار مصرف است و در یاد نمی‌ماند.

**مغزهای کوچک زنگ‌زده:** در آن محیط چرک و کثیف، مگر می‌شود خبری از اعتیاد نباشد؟ معتادهایی که هومن سیدی اینجا خلق کرده هم به اندازه دیگر چیزهای فیلم درستند و کار قصه و فضاسازی را به سهم خود راه می‌اندازند؛ یکی پدر (فرید سجادی حسینی) و بعد هم شاهین (نوید محمدزاده) و امیر (نوید پورفرج) که چسب می‌زنند! آن هم از نوع مخدرش.

**متری شیش و نیم:** فیلمی به معنای واقعی کلمه درباره مبارزه با مواد مخدر و قاچاق، از خرده‌فروشان و کارتن‌خواب‌های معتاد تا قاچاقچی کله‌گنده‌ای به نام ناصر خاکزاد (نوید محمدزاده).

**بی‌پولی:** دست و پازدن‌های زوج جوانی با بازی بهرام رادان و لیلا حاتمی، حل مشکل بی‌پولی را روایت می‌کرد. امیر جعفری در روایت‌های فرعی و در جمع دوستان رادان نقش یک معتاد را ایفا کرده بود.

## سربازهای جمعه (مسعود کیمیایی / ۱۳۸۲)

**بازیگر:** اندیشه فولادوند
**نقش:** نقره
**چهره‌پرداز:** محمدرضا قومی

اندیشه فولادوند با آن شکل ورودش در دقیقه ۴۴ فیلم با عینك دودی و سیگار و یك دست در جیب، نشان می‌دهد که با معتاد خاص و متفاوتی سروکار داریم. دیالوگ سعید (پولاد کیمیایی) هم درباره این شخصیت راهگشاست: «سرووضعش که معافی ده‌تا رو می‌خرید. این چُرت‌هایی که می‌زد، دونه‌ای چند بود؟» شعر و فلسفه‌اش هنگام تزریق مواد مخدر و در لباس سفید و در محضر برادرش هم بر پیچیدگی نقره اضافه می‌کند. بازی فولادوند گرچه به‌دلیل خاص بودن جلب توجه کرد اما شاید در قیاس با نمونه‌های موفق رئالیستی چندان به چشم نیاید. بازی بازیگر نقش ساقی مواد، مهرداد (بیژن امکانیان) اما به چشم آمد و نامزد بهترین بازیگر نقش مکمل جشنواره فیلم فجر در سال ۸۲ شد.

## خون بازی (رخشان بنی‌اعتماد / ۱۳۸۵)

**بازیگر:** باران کوثری
**نقش:** سارا
**چهره‌پرداز:** مهرداد میرکیانی

سال ۸۵ را هم باید سال پربار و مهمی در سینمای ایران دانست و ساخت دو فیلم شاخص و ماندگار این بار اصلا با اولویت موضوع اعتیاد و موادمخدر جالب توجه است؛ یکی سنتوری و دیگری خون‌بازی. در اهمیت خون‌بازی همین بس که چهار نویسنده، فیلمنامه آن را نوشتند: رخشان بنی‌اعتماد، نغمه ثمینی، فرید مصطفوی و محسن عبدالوهاب. بنی‌اعتماد بنا به نگاه و دغدغه همیشگی و اشراف کامل، سراغ روایتی تاثیرگذار از اعتیاد می‌رود. بازی باران کوثری در نقش سارا یکی از اوج‌های بازیگری او و سینمای ایران است و به خوبی زجر و دردناکی اعتیاد را به تماشاگر منتقل می‌کند. بازی غمخوارانه بیتا فرهی در نقش مادر سارا هم همدلی‌برانگیز است. کوثری برای بازی سختش در این فیلم، هم سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن جشنواره فیلم فجر را به دست آورد (البته نیمی از سیمرغ به دلیل بازی‌اش در روز سوم هم بود) و هم تندیس بهترین بازیگر نقش اول زن در جشن خانه سینما را.

## مهمان مامان (داریوش مهرجویی / ۱۳۸۲)

**بازیگر:** پارسا پیروزفر
**نقش:** یوسف
**چهره‌پردازان:** مهین نویدی و محمدرضا شریفی‌نیا

همان تصویر اول یوسف که او را در حال پوست گرفتن گردو و آماده کردن فال گردو می‌بینیم، راست کار سینمای سرخوش مهرجویی است و پیروزفر با درك صحیح دنیای این کارگردان و تلفیق آن با هنر بازیگری خودش، معتاد سمپات و درخشانی خلق می‌کند. خیلی سخت است که وسط آن همه بازیگر خوب و زیر سایه گلاب آدینه که فیلم را مال خود می‌کند هم حرفی برای گفتن داشته‌باشی اما به قدری همه چیز سر جای خودش است که حتی نقش‌های کوچك‌تری چون یوسف هم جلوه دارند. دعوای یوسف با همسرش و معرکه‌ای که به پا می‌کند و به‌خصوص آن دیالوگ «دِ آخه من که معتاد نیستم، واسه این دوستم می‌خواستم»، هم متاثرکننده است و هم طنازانه.

پیروزفر برای بازی در این فیلم، هم برنده تندیس زرین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد از هشتمین جشن خانه سینما شد و هم نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد از بیست و دومین جشنواره فیلم فجر.

## مرهم (علیرضا داوودنژاد / ۱۳۸۹)

**بازیگر:** طناز طباطبایی
**نقش:** مریم
**چهره‌پرداز:** ندارد

بله، علیرضا داوودنژاد برای رئالیستی بودن و باورپذیرتر بودن فضای فیلم، از چهره‌پردازی که یکی از شاخصه‌های فیلم‌هایی درباره اعتیاد است، استفاده نکرد و آن طور که طناز طباطبایی در مصاحبه‌ای گفت، او با لوازم شخصی آرایشی که داشت خودش را گریم و درواقع آرایش می‌کرد. طباطبایی به درستی خودش را در موقعیت شخصیت فیلم قرار داد و حس و حال دردناک و تاثیرگذاری را که باید به مخاطب منتقل کرد. بازی کبری حسن‌زاده در نقش مادربزرگ همراه و دلسوز مریم، دقیق و بی‌تکلف است و نقش مهمی در بهتر دیده‌شدن بازی طباطبایی دارد. سکانسی که نوه در حضور مادربزرگ نگران، مواد مخدر می‌خرد، بسیار تلخ و تاثیرگذار است. همچنین آن دویدن پایانی مادربزرگ و نوه به سمت یکدیگر و درآغوش گرفتن‌شان.

## بوتیك (حمید نعمت‌ا... / ۱۳۸۲)

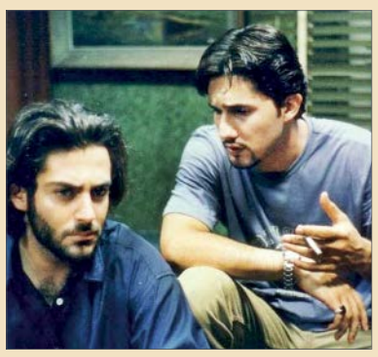

**بازیگر:** حامد بهداد
**نقش:** مهرداد
**چهره‌پرداز:** محمدرضا قومی

سال ۸۲ را باید سال کم‌نظیری در سینمای ایران دانست، چرا که چهار فیلم شاخص ساخته شد که در کنار موضوع اصلی، به اعتیاد و مواد مخدر هم پرداختند و از قضا معتادهای جذاب و متفاوتی را هم به ثبت رساندند: سربازهای جمعه، مهمان مامان، شمعی در باد و بوتیك. در این میان، شخصیت مهرداد با بازی خوب حامد بهداد در بوتیك حسابی گل کرد و دیده شد. او برای این نقش هم نامزد تندیس زرین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد از هشتمین جشن خانه سینما شد و هم به انتخاب نویسندگان و منتقدان سینمایی دومین بازیگر نقش مکمل مرد سال. به جز مهرداد که اعتیاد حال و روز او را دگرگون کرده، معتاد ویران‌تری هم در فیلم داریم، جوانی گیتار به دست به نام سیاوش که به قول ژاله، همسر مهرداد (افسانه چهره‌آزاد) قوزک پای اصلانی خدابیامرز را می‌زند و دوا و هر چیزی که گیرش بیاید، مصرف می‌کند. میلاد اجدادیان (فرزند مسعود اجدادیان، پیشکسوت و مدرس تئاتر و سینما) باوجود کوتاهی نقش، با تکیه بر متن و کارگردانی نعمت‌ا...، تلخی و تباهی اعتیاد را به خوبی به تماشاگر منتقل می‌کند. فیلم، یک معتاد شاخص دیگر هم دارد، آق شاپوری با بازی درخشان رضا رویگری که نیمچه قدرت و ثروتی دارد و بقیه زیردستان همچون مهرداد و ژاله و جهان (محمدرضا گلزار) باید به فکر خماری او هم باشند.

## ابد و یک روز (سعید روستایی / ۱۳۹۴)

**بازیگر:** نوید محمدزاده
**نقش:** محسن
**چهره‌پرداز:** سعید ملکان

یکی از مهم‌ترین و بهترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران درباره اعتیاد و موادمخدر. روستایی با درک صحیح طبقات محروم اجتماع و بازتاب توامان رئالیستی و نمایشی آن در دل قصه‌ای پرهیاهو، مخاطب را به صحنه‌هایی آشنا ارجاع می‌دهد. در این میان شخصیت محسن با بازی نوید محمدزاده، در عین حال که به دلیل اعتیاد و چهره و هیبتی درب و داغان، ویران‌ترین و تباه‌ترین فرد خانواده پرجمعیت فیلم به نظر می‌رسد، به لحاظ دراماتیک و فارغ از نقطه ضعف بزرگ اعتیاد و خرده‌فروشی مواد، اتفاقا یکی از انسان‌ترین شخصیت‌های فیلم است و ارتباط عمیق عاطفی با خواهرانش به ویژه سمیه دارد. به جز محسن، برادر بزرگ‌تر یعنی مرتضی (پیمان معادی) هم زمانی گرفتار اعتیاد بوده‌است. سکانس بردن محسن به کمپ، از مشهورترین صحنه‌های مربوط به اعتیاد در سینمای ایران است که البته بعدا شوخی‌های زیادی با آن شد. محمدزاده برای بازی خوبش در این فیلم، جوایز سیمرغ بلورین نقش مکمل مرد جشنواره فیلم‌فجر و بهترین بازیگر نقش مکمل مرد جشن خانه‌سینما و بهترین بازیگر نقش مکمل مرد جشن منتقدان و نویسندگان سینمایی را به دست آورد.

## سنتوری (داریوش مهرجویی / ۱۳۸۵)

**بازیگر:** بهرام رادان
**نقش:** علی
**چهره‌پرداز:** پرستو معینی

بهرام رادان که سال ۸۲ برای بازی در نقش معتاد فیلم شمعی در باد، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد جشنواره فیلم‌فجر را به دست آورد، با سنتوری یک بار دیگر این جایزه را به خانه برد. اگر اشتباه نکنیم او تنها بازیگری است که دو بار برای بازی در نقش یک معتاد، برنده سیمرغ می‌شود. درواقع اعتیاد و موادمخدر هرقدر برای معتادان در عالم واقعیت خانمانسوز است، برای رادان در سینما بسیار خوش یمن و با برکت بوده‌است. البته این‌که چرا بازی رادان در سنتوری نسبت به اثر موفق دیگرش شمعی در باد، محبوب‌تر و ماندگارتر شده، دلایلی به جز بازی بهتر و پرشورتر بازیگر هم دارد؛ فیلمنامه مهرجویی و وحیده محمدی‌فر و کارگردانی خوب مهرجویی و همبازی خوب و البته آهنگسازی، خوانندگی محسن چاوشی و موسیقی اردوان کامکار. فیلم در روایتی نرم و سیال و سوار بر موسیقی، از صفر تا صد اعتیاد و سقوط قهرمان و نجات او را به تصویر می‌کشد که همین نقش مهمی در خوشایند و مقبول بودن آن نزد تماشاگران دارد.

## دارکوب (بهروز شعیبی / ۱۳۹۶)

**بازیگر:** سارا بهرامی
**نقش:** مهسا
**چهره‌پردازان:** فاطمه کمالی و زهرا کمالی

انگیزه برای ترک اعتیاد و پیش گرفتن یک زندگی سالم خیلی مهم است، اتفاقی که برای مهسا در دارکوب می‌افتد و وقتی این مادر متوجه زنده بودن کودکش می‌شود، عزمش را برای رسیدن به او جزم می‌کند. منتها شکل و شدت اعتیاد مهسا مانعی جدی در این زمینه است. سارا بهرامی با مدل خاص حرف زدن و راه رفتن و به مدد یک گریم ویژه، نقش مهسا را به قدری تلخ و تاثیرگذار بازی می‌کند که پاداش شیرینش، رضایت تماشاگران و تحسین منتقدان و سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن جشنواره فیلم‌فجر است. مراجعه فراوان به کمپ و مواجهه و معاشرت با معتادان به مدت هشت ماه و فیلم دیدن در این زمینه از جمله کارهای بهرامی برای بازی در این نقش بود.